

سرعتیږن انټرنټ 3.75G+ بهترین قیمت

1GB

در بدل 250 افغانی

برای اشتراک: 1GB را به 151 ارسال نمایند

مدت اعتبار: 30 روز

www.afghan-eyewitness.com

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan



ارگان‌های محلی: واسطه‌داران فاقد ظرفیت کاری‌اند



در پی حفظ آثار باستانی باشیم



معضل سلب اعتماد وزرا در پرتو بحران‌های قانون اساسی و مشروعیت

۳ صفحه

طرح استراتژی جدید برای پیش‌برد تلاش‌های صلح

کنفرانس رونمایی رهنمود حمایت از مشارکت فعال زنان در روند صلح

۴ صفحه

جنگی که سودش به ما نرسید



بنیادگرایان عرب که از شکست کشورهایشان در برابر اسرائیل احساس حقارت می‌کردند، به افغانستان سرازیر شدند تا با یک «کافر حربی» دیگر در این‌جا بجنگند و بخت خود را بیازمایند. این بنیادگرایان جنگجو که قادر به تطبیق «شریعت» در کشورهای خودشان نشده بودند، به افغانستان آمدند تا در این‌جا شریعت مورد نظر خود را تطبیق کنند. روس‌ها که حالا در افغانستان مستقر شده بودند ناگزیر بودند که با این گوریلاهای پرشور دارای حمایت اجتماعی نیرومند بجنگند. حزب دموکراتیک خلق یگانه نیروی منسجم طرفدار شوروی در افغانستان بود. این حزب که حاکمیت دولتی را هم به دوش داشت، تنها شریک وطنی اتحاد شوروی بود.

۶ صفحه

نبود کار عامل بازگشت درمان‌شدگان به اعتیاد

مجلس سنا قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان را تایید کرد

یک دانشجوی ربوده شده از چنگ رباینندگان آزاد شد

Afghan Cyber ISP/ICT Company - شرکت خدمات اینترنتی افغان سایبر

Internet Services all over Afghanistan

NGOs & Army Camps VSAT
Government Sector ICT Solutions
Private Organizations & Homes Wireless

+93 799 19 92 03
+93 789 28 40 40

West of Hanzalah Masjid, Haji Yaqub Square, Shar-e-naw, Kabul-Afghanistan

داریانا افغان هوایی شرکت ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- 1 مسافریں محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتخاب سیت برای مسافریں محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافریں محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافریں گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

DUBAI, JEDDAH, ISTANBUL, ANKARA, DELHI, URUMQI



لزوم انسجام و هماهنگی بیشتر سیاسی

دوام اختلاف‌های سیاسی برای حکومت وحدت ملی زهر قاتل است. در وضعیتی که افغانستان زیر فشار شدید نظامی است و طالبان برای تهاجم سال آینده آمادگی می‌گیرند، نیاز به انسجام سیاسی بیشتر است. حکومت وحدت ملی باید انسجام درونی‌اش هر روز تقویت شود. متأسفانه که اختلاف‌های سیاسی هر روز بیشتر می‌شود. قبلاً اختلاف‌ها میان دو دسته‌ی سیاسی تشکیل‌دهنده‌ی حکومت وحدت ملی رسانه‌ای می‌شد. تیم‌های رییس‌جمهور و رییس‌اجرائی مصروف جنگ قدرت بودند و هستند، اما حالا این روند وارد یک مرحله‌ی پیچیده‌ی دیگر شده است.

حال اختلاف‌ها به درون دسته‌های سیاسی رییس‌جمهور و رییس‌اجرائی نیز سرایت کرده است. اختلاف‌های درونی در تیم‌های سیاسی عبدالله عبدالله و محمد اشرف غنی خیر خوشی نیست. هر قدر که بی‌اعتمادی سیاسی بیشتر شود، حکومت وحدت ملی آسیب می‌بیند. سیاستمداران تشکیل‌دهنده‌ی حکومت وحدت ملی باید روی انسجام بیشتر کار کنند. این درست است که هم‌سویی بیشتر سیاستمداران با ارگ سبب تقویت پایه‌های سیاسی حکومت می‌شود، اما در کنار آن باید انسجام سیاسی در جاهای دیگر برهم نخورد.

سران حکومت وحدت ملی باید نقش خود را ایفا کنند. رییس‌جمهور و رییس‌اجرائی در انتخابات پرماجرایی سال ۱۳۹۳ از مردم افغانستان رای گرفتند و دارای حمایت سیاسی هستند. این دو رهبر باید روی میکانیزمی کار کنند که اختلاف‌ها را به حد اقل برسانند. هر دو رهبر باید میان متحدان سیاسی خود اجماع و هم‌سویی ایجاد کنند. بدون اجماع و هم‌سویی بقای افغانستان به عنوان یک دولت مدرن زیرسوال می‌رود. افغانستان به عنوان یک دولت مدرن دچار تهدید است. طالبان تهدید استراتژیک هستند. طالبان بحران شکل‌گیری یک دولت مدرن ملی، با شورش طالبان پیچیده‌تر شده است. دولت مدرن چتری برای همه مردم افغانستان است. جامعه جهانی هم برای شکل‌گیری دولت در افغانستان قربانی‌های فراوان داده است.

بدون وجود یک دولت مدرن سراسری، هیچ جناح و گروه صاحب اقتدار، پول و مشروعیت سمتی، ولایتی و قومی شده نمی‌تواند. بنا بر این باید تمام نیروها و چهره‌های سیاسی برای دفاع از دولت و نظام بسیج شوند. اختلاف‌های سیاسی باید کاهش یابد. موافقت‌نامه‌ی سیاسی تشکیل حکومت وحدت ملی باید تطبیق شود و قشر سیاسی کشور روی آن اجماع کنند. روی اصلاحات اداری نیز باید حکومت و قشر سیاسی کشور توافق کنند. دوام اختلاف‌ها و به جان هم انداختن مردم به نام سمت، ولایت، منطقه و قریه، نه به سود سیاستمدارها است و نه افغانستان از آن سود می‌برد. سیاستمداران باید حوزه نفوذ و پایگاه اجتماعی‌شان را در دفاع از دولت و برضد طالبان باید بسیج کنند.

نباید انرژی مردم صرف جنجال‌هایی شود که بر مبنای سمت، ولایت و قریه مطرح می‌شود. سیاستمداران هم نباید جنجال‌های‌شان را بیان هویتی، سمتی و ولایتی بدهند. هر سیاستمداری که این کار را می‌کند، علیه منافع مجموع مردم افغانستان قرار گرفته است. مردم افغانستان در شرایط کنونی به همبستگی بیشتر نیاز دارند. باید به مردم افغانستان دشمن اصلی کشور معرفی شود. انرژی مردم باید صرف مبارزه با دشمنان افغانستان و دفاع از نظام و دولت شود. مردم افغانستان امنیت، اصلاحات و ثبات سیاسی می‌خواهند. این اهداف در وضعیتی به دست می‌آید که انسجام درونی در حکومت شکل بگیرد و قشر سیاسی کشور از پراکنده‌سازی مردم افغانستان پرهیز کنند.

۸صبح، کابل: یک دانشجو که توسط دو آدم‌ریا در مسیر شاهراه کابل - ننگرهار ربوده شده بود، با تلاش نیروهای امنیت ملی از چنگ رباپندگان آزاد شده است.

دفتر مطبوعاتی امنیت ملی می‌گوید که عبدالعلی از دانشجویان دانشگاه «روشان»، توسط دو تن از آدم‌ریا پندگان به نام‌های عبدالحق و گل‌صحت در مسیر شاهراه کابل - ننگرهار ربوده شده بود. به گفته عبدالعلی، هر دو آدم‌ریا نیز بازداشت شده‌اند.

به گفته دفتر مطبوعاتی امنیت ملی، عبدالحق و گل‌صحت اعتراف کردند که برای آزادی عبدالعلی از خانواده‌اش شش صد هزار افغانی در خواست کرده بودند. این دو آدم‌ریا افزوده‌اند که عبدالعلی را در مناطق

یک دانشجوی ربوده شده

از چنگ رباپندگان آزاد شد



می‌گوید که در نتیجه تلاش‌های ماموران این اداره یک قاچاق‌بر مواد مخدر که هفده کیلوگرام چرس را از بازداشت یک قاچاق‌بر مواد مخدر در کابل خبر داده است. به گفته او، این قاچاق‌بر از ناحیه چهارم شهر کابل و خانه‌ی خودش بازداشت شده است.

کوه‌های «تورغو» ولایت لغمان نگهداری می‌کرده‌اند. در همین حال، وزارت امور داخله نیز از بازداشت یک قاچاق‌بر مواد مخدر در کابل خبر داده است. میرعرب‌شاه چمتو، رییس کشف و عملیات‌های ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی وزارت امور داخله

کمیته تدارکات ملی

یازده قرارداد را تایید کرد



آب‌باری و کانالیزاسیون در ۹ زون و ۹ بخش مربوط وزارت داخله، تدارک ۱۳۵ قلم ظروف و وسایل آشپزخانه برای واحدهای مرکزی و قطعات قول اردوهای ساحه‌ای اردوی ملی در هفت ولایت، تدارک مواد خوراکی مورد نیاز در بودجه سال ۱۳۹۶ برای قطعات ساحه‌ای، ادارات مرکزی، موسسات، واحدها و قطعات اردوی ملی، احیای مجدد سرک ولسوالی ده صلاح تا منطقه «شاشان» ولایت بغلان اعمار سرک گردنه سخی کابل است.

کمیسیون تدارکات ملی هم‌چنین در نخستین جلسه هفته‌وار سال مالی ۱۳۹۶ برخی از قراردادهای مربوط به وزارت‌های دفاع و فواید عامه را به طور مشروط منظور کرده است.

۸صبح، کابل: کمیته‌ی تدارکات ملی یازده قرارداد به ارزش بیش از دو و نیم میلیارد افغانی را مورد تایید قرار داده است.

مجلس سنا قانون منع آزار و اذیت زنان

و کودکان را تایید کرد



قانون منع آزار و اذیت زنان که به پیشنهاد کمیسیون امور زنان مجلس نمایندگان ترتیب شده است، دارای سه فصل و ۲۹ ماده است.

این قانون به تاریخ ۱۹ عقرب در مجلس نمایندگان تصویب شده بود. به نقل از بی‌بی‌سی، فوزیه کوفی، رییس کمیسیون امور زنان مجلس نمایندگان گفته که در این قانون انواع آزار و اذیت کلامی، فیزیکی، نوشتاری و تصویری تعریف شده و این اعمال جرم پنداشته شده است. به اساس این قانون کسانی که مرتکب آزار و اذیت زنان و کودکان در محلات عمومی، وسایل نقلیه عمومی و محلات دیگر شوند، به جریمه نقدی پنج هزار تا ده هزار افغانی محکوم می‌شوند. مرتکبین آزار و اذیت زنان و کودکان در محل کار، مراکز صحتی و مراکز تعلیمی و

مجلس سنا طرح قانون منع آزار و اذیت زنان و کودکان را با تغییراتی اندک تایید کرده است. مجلس سنا طرح این قانون را که از سوی مجلس نمایندگان تصویب شده بود، با اضافه کردن کلمه اطفال در بعضی مواد و یا کم و زیاد کردن یک کلمه و یا علامت در مواد دیگر، تایید کرد.

فضل‌الهدی مسلم‌پار، رییس مجلس سنا اعلام کرد که طرح این قانون با تغییرات آورده شده در این مجلس تایید شده و به کمیسیون مختلط دو مجلس خواهد رفت.

در کمیسیون مختلط دو مجلس روی تغییراتی که در طرح قانون از سوی مجلس سنا به میان آمده بحث خواهد شد و پس از توافق در این کمیسیون، قانون برای توشیح به رییس‌جمهور سپرده خواهد شد.

بیش از پنج هزار اثر تاریخی در یک دهه اخیر جمع‌آوری شده است

وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید که در یک دهه گذشته بیش از پنج هزار اثر تاریخی را از ولایات مختلف جمع‌آوری کرده است.

عبدالقدیر تیموری، رییس اداره‌ی باستان‌شناسی این وزارت روز یکشنبه به خبرنگاران گفت که این آثار شامل مجسمه‌های سنگی و گلی، سکه‌های طلا، نقره، برونز و ده‌ها اثر دیگر می‌شود که در اثر کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده‌اند.

آقای تیموری افزود که این آثار به لحاظ تاریخی متعلق به دوره‌های مختلف و برخی مربوط به زمان ساسانیان و کوشانیان می‌شود. به گفته او، این آثار که مجموع آن به ۵۲۶۷ قلم می‌رسد، از سراسر کشور و از جمله از شماری از محلات تاریخی در ولایت‌های مختلف کشف شده است. به عنوان مثال، از ولایت لوگر و به‌ویژه معدن مس عینک ۲۳۹۲ قلم اثر تاریخی به دست آمده است.

او با ارایه جزئیات در باره آثار کشف شده گفت: «کابل ۱۶۷ قلم، بلخ ۱۰۳۷ قلم، بامیان ۶۲۲ قلم و میدان وردگ ۵۳۱ قلم و غزنی ۲۲ قلم. این آثار به موزیم ملی و سایر نهادهای مشابه تحویل داده شده است.»

آقای تیموری افزود که شماری از این آثار در موزیم محلی مسک عینک در لوگر نگهداری می‌شود و در برخی از محلات آثار غیرقابل انتقال مانند معبد نیز کشف شده است که یک واحد ویژه از آن‌ها نگهداری می‌کند.

پیش از این نگرانی‌های زیادی در مورد نگهداری و نگهداری از آثار و محلات تاریخی و باستانی افغانستان ابراز شده بود، ولی آقای تیموری تاکید کرد که واحد ۰۱۲ پولیس، که ۵۰۰ سرباز دارد، در سراسر کشور از این محلات نگهداری می‌کند.



وزارت دفاع:

دوازده طالب و دو عضو گروه داعش کشته شدند

۸صبح، کابل: در نتیجه عملیات‌های مشترک نیروهای امنیتی کشور در یک شبانه روز گذشته، ۱۲ طالب و دو عضو گروه داعش کشته و ۱۴ تن دیگر زخمی شده‌اند.

به گفته وزارت دفاع، این عملیات‌ها که توسط نیروهای زمینی و هوایی در ولایت‌های ننگرهار، کنر، زابل، ارزگان، کندهار، فاریاب، کندز و هلمند راه‌اندازی شده بود، در آن چهارده مخالف مسلح به شمول دو فرمانده محلی طالبان و دو عضو داعش کشته و چهارده تن دیگر زخمی شده‌اند. در این عملیات‌ها دو طالب دیگر بازداشت شده‌اند.

وزارت دفاع می‌افزاید که در میان افراد کشته شده ملا لال‌محمد و یک معاون ولسوال نام‌نهاد گروه طالبان نیز شامل‌اند. این وزارت افزوده که لال‌محمد و معاون ولسوال نام‌نهاد طالبان در عملیاتی در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب به قتل رسیده‌اند.



طرح استراتژی جدید برای پیش برد تلاش‌های صلح

● ظفر شاه رویی



بیشتری ارایه نکرد، اما گفت که ظاهراً بهانه‌ها برای به تاخیر انداختن این استراتژی عدم هماهنگی میان خود دولت و هم‌چنین میان دولت و شورای عالی صلح است. شورای امنیت ملی در نشست سه‌شنبه هفته گذشته، ۳۰ قوس، استراتژی جدید صلح را مورد بحث قرار داده است. دفتر ریاست جمهوری در باره این استراتژی گفته است که استراتژی ملی صلح و مصالحه در سطوح سیاسی و استراتژیک به تحقق اهداف اساسی صلح‌پرورانه، تعریف مجدد و شناسایی میکانیزم واضح تطبیق روند صلح، اصلاح

در مراسم رونمایی از رهنمود حمایت از مشارکت فعال زنان در روند صلح صحبت می‌کرد، گفت که این استراتژی با استفاده از تجارب گذشته و در مشورت با اقشار مختلف ساخته شده است. خانم سرابی افزود که مسوده نهایی استراتژی جدید صلح آماده‌ی تایید شده و قرار بود در ماه سپتامبر رونمایی شود، اما به دلیل برخی از مسایل سیاسی از جمله موضوع مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا زمان رونمایی و تایید آن به تاخیر افتاد. این عضو ارشد شورای عالی صلح در این باره جزئیات

مسوولان ارشد شورای عالی صلح از طرح استراتژی جدید برای پیش‌برد تلاش‌های صلح خبر داده می‌گویند که براساس این استراتژی قرار است یک بورد نظارتی متشکل از زنان به منظور ارایه مشورت و نظارت از روند صلح ایجاد شود.

داکتر حبیبه سرابی از معاونان شورای عالی صلح می‌گوید که این استراتژی اخیراً در شورای امنیت ملی ارایه شده و قرار است قبل از تشکیل بورد نظارتی، کمیته‌گزینه برای عضویت زنان در این بورد ساخته شود. خانم سرابی که روز یکشنبه، پنجم جدی،

ساختارها و تشکیلات، تقویت بیشتر نقش زنان و جامعه مدنی در پیش‌برد تلاش‌های صلح، تقویت میکانیزم‌های حساب‌دهی و تامین شفافیت، نظارت، اعتبار و موثریت تمرکز دارد. به گفته دفتر ریاست جمهوری، این استراتژی با استفاده از تجارب و درس‌های «آموخته شده از گذشته» و شرایط موجود به منظور انجام مذاکرات سیاسی، ایجاد اجماع ملی و زمینه‌سازی برای تهیه برنامه ملی صلح، ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ صلح تدوین شده است. شورای امنیت ملی پس از بحث روی این استراتژی فیصله کرده تا این استراتژی در جلسه بعدی نیز ارایه شود.

با این حال، حبیبه سرابی می‌گوید که در استراتژی جدید نقش زنان در پیش‌برد تلاش‌های صلح برجسته‌تر شده است. خانم سرابی گفت: «یک میکانیزم مدیریتی و هماهنگی هم در آن در نظر گرفته شده است طوری که علاوه بر این که چگونه میان موسسات، نهادهای دولتی و غیردولتی چگونه هماهنگی صورت بگیرد، بخش دیگری را که ما در آن گنج‌نیده‌ایم عبارت از بورد مشورتی زنان است. بورد مشورتی زنان تقریباً تمام تطبیق استراتژی شورای عالی صلح را نظارت می‌کند و مشورت‌های لازم را به این شورا می‌دهد.»

حبیبه سرابی افزود که برای تعیین اعضای این بورد، کمیته‌گزینه متشکل از نمایندگان نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی حامی حقوق زنان و حقوق بشر ایجاد خواهد شد. به گفته او، شورای عالی صلح مکتوب‌های رسمی به نهادهای مختلف به منظور معرفی نمایندگان‌شان در کمیته‌گزینه فرستاده است.

در همین حال، نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و کودکان با تهیه رهنمودی به منظور مشارکت فعال‌تر و بیشتر زنان در پیش‌برد تلاش‌های

صلح، می‌گوید که تاکنون نقش زنان در شورای عالی صلح و دفترهای ولایتی این شورا کم‌رنگ و بی‌تاثیر بوده است. این نهاد در رهنمود خود به برخی از چالش‌ها فرا راه حضور زنان در روند صلح و هم‌چنین ارایه الگوهای از کشورهایی که وضعیت مشابه با افغانستان داشته‌اند، اشاره کرده می‌گوید که نقش زنان در روند صلح در افغانستان تاکنون سمبولیک بوده است. نهاد تحقیقاتی حقوق زنان و کودکان می‌افزاید زنانی که در شورای عالی و کمیته‌های ولایتی این شورا عضویت داشته‌اند، در برقراری ارتباط با زنان بیرون از این شورا ناموفق بوده‌اند. به گفته این نهاد، خیلی از زنان از این که در شورای عالی صلح تعدادی از خانم‌ها نیز حضور دارند، معلومات ندارند.

هم‌چنین ضیا مبلغ از مسوولان بنیاد آلمانی هاینریش بل در افغانستان، می‌گوید که بیشتر تلاش‌های صلح در کشور تا کنون به منظور تقسیم قدرت و امکانات میان طرف‌های درگیر صورت گرفته است. آقای مبلغ افزود: «فرایند صلح گردهم آوردن مخالفان برای تقسیم غنایم و قدرت و سرمایه بیت‌المال نیست. چنین تصور و تصویری از صلح بارها در گذشته آموخته شده و تجارب ناکامی را به باور آورده است. همان گونه جنگ و نزاع افغانستان یک پدیده نسبتاً مدرن است، فرایند صلح هم با رویکردهای سنتی و عنعنای نمی‌تواند به موفقیت بیانجامد و نزاع را در افغانستان پایان بخشد.»

ضیا مبلغ به مشارکت بیشتر زنان در روند صلح تاکید کرده افزود، هرگاه تلاش‌های صلح به منظور تقسیم قدرت میان طرف‌های درگیر به پیش‌برده شود، نه تنها منجر به تامین صلح پایدار در افغانستان نخواهد شد، بلکه زمینه‌ساز درگیری‌ها و خشونت‌های بیشتر می‌شود.

ارگان‌های محلی در این رابطه گفت که شفافیت در روند استخدام به حدی است که در امتحان ورودی دوم، تمام رورند فلم‌برداری می‌شود و در امتحان نخست نیز پرسش‌ها یک ساعت پیش از امتحان تهیه شده است.

امیدواری از راه‌یافتن زنان در ساختارهای اداری

منیره یوسف‌زاده سخنگوی اداره مستقل ارگان‌های محلی از راه‌یافتن زنان در این اداره می‌گوید که پس از این در اداره‌های ولایتی این اداره، زنان نیز راه پیدا خواهند کرد و «فضای مردانه شکسته خواهد شد.»

بانو یوسف‌زاده در صحبت با ۸ صبح می‌گوید: «در بسیاری از ولایت‌ها حتا یک خانم هم نیست که [در اداره ارگان‌های محلی] کار کنند، حضور یک کارشناس جندر از قشر زن می‌تواند، حداقل ساختار مردانه را بشکند [...] فضا بسیار مردانه است.»

به گفته سخنگوی اداره ارگان‌های محلی، در بخش جندر کسانی گماشته خواهند شد که باورمند به «تساوی جنسیتی» باشند. به باور او، برای استخدام خانم‌ها در بست کارشناسی جندر اولویت داده شده و با حضور کارشناس جندر، حضور زنان در ساختارهای اداری ولایت‌ها بالا خواهد رفت.

حمیده لسانی ماستر علوم سیاسی از شرکت کنندگان امتحان در بست جندر ارگان‌های محلی، می‌گوید که در گذشته زنان در افغانستان «همیشه از بالا به پایین رشد» کرده، اما در حال حاضر، زنان «دوره‌گذار» را می‌پیمایند. او امیدوار است که پس از عبور از «مرحله گذار»، زنان در پست‌های بلند دولتی راه پیدا کنند. بانو لسانی می‌گوید که «تساوی جنسیتی» به دلیل جامعه سنتی افغانستان امکان‌پذیر نیست، اما به مرور زمان، زنان به تساوی جنسیتی دست خواهند یافت.

بانو اخگر که در ولایت بدخشان در ریاست امور زنان این ولایت نیز وظیفه اجرا کرده می‌گوید: «زنان در حکومت جدید اندک، اندک شامل ساختارهای اداری می‌شوند، [اما] در آخر باید دید که آیا آنان به دلیل توانایی‌شان گماشته شده‌اند، یا از کدام مرجع دیگر معرفی شده‌اند.» به گفته او با آن که بدون «یک پشتوانه یا حمایت» کارکردن در افغانستان امکان‌پذیر نیست، اما کسانی که «اهلیت و توانایی» کار را داشته باشد، می‌توانند در آینده برای زنان موثر باشند.



پس از یک‌دهه، افراد متخصص در رشته‌های مختلف در افغانستان زیاد شده است. به گفته او برنامه‌های سی.بی.آر، زمینه ظرفیت‌سازی برای نسل جوان در کشور را مهیا کرده است. نجیب‌الله وردک مسوول برنامه سی.بی.آر یا ارتقای ظرفیت برای نتایج بهتر، نیز می‌گوید: «برنامه سی.بی.آر در مجموع ۲۴۰۰ فرد را در تمام اداره‌های دولتی می‌تواند استخدام کند. در حالی که تمام کارکنان خدمات ملکی ۴۱۵ هزار نفر است، بنا بر این، سی.بی.آر از مجموع کارکنان خدمات ملکی ۵٫۰ درصد را حمایت کرده می‌تواند، به همین دلیل، ما تلاش داریم که در استخدام افراد دقت بیشتری را به خرج دهیم.»

او این دو بست کاری در هر ولایت را مهم خواند و گفت که پیش از این در افغانستان در بخش‌های جندر و نظارت و ارزیابی، متخصص و کارشناس نبود، اما پس از یک‌نیم دهه، افراد زیادی در این رشته درخواست کار داده‌اند. به گفته او، کار در این دو بخش، توانایی و تخصص می‌خواهد و باید کسانی که استخدام می‌شوند به حکومت افغانستان گزارش‌دهی دقیق از کارکردها در سطح ولایت داشته باشند.

آقای وردک می‌گوید که برنامه سی.بی.آر، نه تنها شامل استخدام کارمندان خدمات ملکی می‌شود که اصلاحات در اداره‌های دولتی را نیز در بر می‌گیرد. او این دو بست کاری در هر ولایت را مهم خواند و گفت که پیش از این در افغانستان در بخش‌های جندر و نظارت و ارزیابی، متخصص و کارشناس نبود، اما پس از یک‌نیم دهه، افراد زیادی در این رشته درخواست کار داده‌اند. به گفته او، کار در این دو بخش، توانایی و تخصص می‌خواهد و باید کسانی که استخدام می‌شوند به حکومت افغانستان گزارش‌دهی دقیق از کارکردها در سطح ولایت داشته باشند. آقای وردک می‌گوید که برنامه سی.بی.آر، نه تنها شامل استخدام کارمندان خدمات ملکی می‌شود که اصلاحات در اداره‌های دولتی را نیز در بر می‌گیرد.

ارگان‌های محلی:

واسطه‌داران فاقد ظرفیت کاری‌اند

● سردار داهی

کرده اند که همه آنان در بخش کارشناس جندر در ولایت‌ها «شارت لیست» شده‌اند. برگزار کنندگان امتحان می‌گویند که امکان پیروزی بانوان در بخش جندر بیشتر از مردان است.

معین مالی و اداری ارگان‌های محلی می‌گوید کسانی که برای کامیاب شدن‌شان در این دو بست از واسطه کار می‌گیرند، تلاش‌شان بی‌اثر خواهد بود. چون این روند از سوی بانک جهانی کمک مالی می‌شود. بنا بر این، آنان کسانی را می‌پذیرند که تخصص، توانایی و تجربه کافی در این دو بخش را داشته باشند. او خطاب به شرکت‌کنندگان در امتحان گفت که برای واسطه کردن خود را در این دو بست سرگردان نکنند تا دلیلی بر ناکامی آنان نباشد. آقای صدیقی می‌گوید که واسطه‌کنندگان اکثر کسانی‌اند که ظرفیت کاری ندارند.

او به شرکت کنندگان در این امتحان گفت: «به شما اطمینان می‌دهم که از لحاظ شفافیت و از لحاظ نمره‌دهی و مصاحبه، به صورت کل مطمئن باشید، هر کسی که تلاش می‌کند، واسطه کند، یا یک وسیله دیگری را برای کامیابی خود جست‌وجو کند، هم خود را سرگردان می‌کند و هم کارمندان دیگر اداره‌ها را.»

در همین حال، الله‌نواز صافی رییس اجرایی کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، نیز روند امتحان را شفاف خوانده و می‌گوید چندین سال پیش در رشته‌های تخصصی افراد اندکی در افغانستان بود، اما

مقام‌ها در اداره مستقل ارگان‌های محلی با برگزاری امتحان از دو بست کارشناسی «نظارت و ارزیابی و جندر» در هر ولایت، واسطه‌کنندگان برای راه‌یافتن به اداره‌های دولتی را فاقد ظرفیت کاری خوانده و می‌گویند که برخی‌ها با واسطه‌کردن، هم خود و هم مقام‌های دولتی را سرگردان می‌کنند.

عبدالملک صدیقی معین مالی و اداری ارگان‌های مستقل محلی، روز گذشته در آغاز امتحان از این دو بست که جدیداً در تشکیل این اداره اضافه شده است، گفت که از میان ۱۶۰۰ کاندیدا، با بررسی سندهای آنان از سوی کمیته‌های مختلف ارگان‌های محلی، سی.بی.آر و کمیسیون اصلاحات اداری، حدود ۵۲۵ تن آنان «شارت لیست» شده که ۱۰۰ تن آنان بانوان اند.

آقای صدیقی می‌گوید که حمایت مالی این دو بست را بانک جهانی زیر پروژهای به نام سی.بی.آر. یا ارتقای ظرفیت برای نتایج بهتر به عهده دارد که با معیارهای مشخص کاری، امتیازهای مالی و محیط آزاد، کارمندان استخدام خواهند شد. به باور او، استخدام کارمندان از طریق روند سی.بی.آر، به ارتقای ظرفیت کاری در دولت‌داری و حکومت‌داری در افغانستان کمک کرده و روند اجرای آن شفاف است.

آقای صدیقی با کلیدی خواندن این دو بست می‌گوید که آنان به خاطر شفافیت هر چه بیشتر در روند استخدام تلاش خواهند کرد تا کسانی که واجد شرایط اند، کامیاب شوند. در این امتحان حدود ۱۰۰ بانو نیز شرکت

در پی حفظ آثار باستانی باشیم

● فریدون آژند

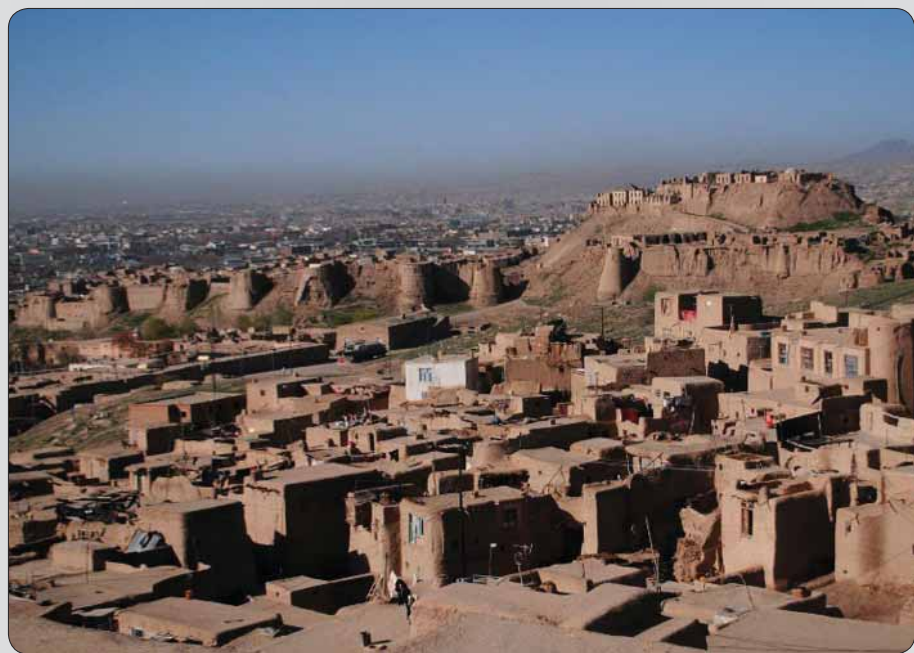
از گذشته شد. طالبان آنچه که قابل فروش بود فروختند و چیزی که نمی‌شد برای فروش انتقال داد را نیز از بین بردند. هنوز فلم ویدیویی‌ای که نشان می‌دهد چگونه طالبان مجسمه‌ها در موزیم ملی را با تبر از بین می‌برند، داغ بر دل هر شهروندی که به گذشته تاریخی خود ارزش قابل است می‌گذارد. در آخرین جنایت طالبان در سال ۲۰۰۰ میلادی دو مجسمه تاریخی بودا در بامیان را کاملا تخریب کردند و سیاه‌ترین لکه ننگ را برای تفکر ضد تمدنی خود باقی گذاشتند. در کنار آن دوره طالبان، دوره تاراج آثار باستانی نیز بود. مردم عادی با جستجو مناطق تاریخی را پیدا کرده و با بیل و کلنگ و دیگر ابزار کندن به جان این مناطق می‌افتادند و بخشی از آثار را کشف کرده و در بازارهای بیرون خصوصا پاکستان به فروش رسانده و بخش دیگر را توسط همین بیل و کلنگ خود ویران و تباہ می‌کردند.

هنوز هم وقتی به مناطق باستانی بروید، نشان‌های همان کاوش را می‌بینید. با سقوط طالبان و روی کار آمدن حکومت با پایه‌های مردمی، یکی از

می‌گویند بخشی از تمدن گذشته حوزه‌های تمدنی توسط آثار و ابنیه تاریخی که به‌جا می‌ماند، به آیندگان به میراث می‌رسد. این اهرام مصر است که صلابت و شکوه گذشته امپراطوری فرعونیان را نمایش می‌دهد. دیوار چین است که از عظمت این کشور در گذشته حکایت می‌کند و مناره‌های مصلی هرات است که از دوره رنسانس این شهر در عصر تیموری‌ها حرف می‌زند.

باستان‌شناسی یکی از مهم‌ترین رشته‌ها برای شناساندن تمدن‌های گذشته است. و از طریق این رشته ما به خوبی در می‌یابیم که چه گذشته‌ای داشتیم و با تجربه از این گذشته به آینده‌ای بهتر می‌پردازیم. جغرافیای افغانستان مملو از چنین آثار و ابنیه تاریخی است. هر چند بخش عمده‌ای از این آثار به جغرافیای تاریخی بزرگ‌تری اشاره می‌کند ولی همین جغرافیای نیز به اندازه‌ای کافی نشانه‌های بارز تمدن شکوهمند گذشته را می‌تواند به تصویر بکشد.

مناطق باستانی چون آی خانم، مندیکک، هده، طلا تپه، نادعلی و غیره تاریخ تمدن این جغرافیا



وظایف دولت بازسازی و جمع‌آوری آثار و ابنیه تاریخی تاراج شده افغانستان بود. خوشبختانه به دلیل این بخشی از این آثار دارای شناسنامه و کد بودند و این شناسنامه‌ها نیز وجود داشت. بخشی از این آثار که در بازارهای جهانی دست‌به‌دست می‌شد دو باره به افغانستان برگشت. هر چند هنوز بخشی از این آثار غارت شده مفقود می‌باشد. حالا وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز خبر می‌دهد که در طول ده سال گذشته حدود پنج هزار اثر تاریخی در افغانستان به دست آمده که بخش عمده آن در اثر کاوش‌های تازه است. این آثار تاریخی از دوره کوشانی در آغاز قرن اول میلادی شروع می‌شود و چندین دوره تاریخی را در بر می‌گیرد. البته بخشی از این آثار نیز از نزد مردم جمع‌آوری شده و به موزیم ملی افغانستان سپرده شده است.

با این حال هنوز هم افغانستان از جمله غنی‌ترین کشورهای جهان در حوزه آثار و بقایای تاریخی شمرده می‌شود. چنان‌که گفته می‌شود افغانستان دارای ۱۰۰۰۰ پایگاه باستان‌شناسی است که پس از مصر دومین کشور غنی از این بابت می‌باشد. البته نباید از یاد برد که این پایگاه‌های باستان‌شناسی به دلیل ناامنی‌ها به شدت از سوی مردم مورد کاوش‌های خودسرانه قرار می‌گیرد که بر علاوه تاراج آثار باستانی، به دلیل عدم آگاهی از نحوه کاوش‌ها به دیگر آثار نیز خسارت‌های زیادی وارد می‌کنند. بهتر است همان گونه که دولت افغانستان وعده داده است، برای حفظ این آثار تاریخی تلاش بیشتر به خرج دهد.

را به شده‌های خیلی دور پیش از میلاد می‌رساند. از اوایل قرن نهم کاوش‌های باستان‌شناسی در افغانستان شروع شد. باستان‌شناسان روسی، فرانسوی، بریتانیایی، آلمانی و ایتالیایی نقش اساسی در کشف آثار باستانی مدفون در زیر غبار تاریخ در افغانستان داشتند.

موزیم ملی افغانستان یکی از پرغناترین موزیم‌ها در جهان بود که آثار باستانی را از دوره‌های پارینه سنگی تا همین چند سده آخر در خود نگه داشته بود. اما جنگ‌های چند دهه افغانستان بنیان آثار تاریخی را در افغانستان از بیخ و بن برانداخت. پس از کودتای ثور و به دنبال تجاوز مستقیم ارتش سرخ شوروی سابق، در قدم اول تمام برنامه‌های باستان‌شناسی در افغانستان متوقف شد. به دنبال آن مناطق باستانی مورد غارت و چپاول وسیع قرار گرفت و بخشی از آثار باستانی قابل انتقال به کشورهای خارجی انتقال پیدا کرده و به فروش رسید.

با سقوط حکومت داکتر نجیب و استیلاي مجاهدین بر افغانستان، خصوصا نبردهای کابل، نخستین مناطقی که به تاراج و چپاول رسید موزیم ملی، آرشیف ملی، کتابخانه دانشگاه کابل و چندین مکان تاریخی دیگر جز غنایمی بود که مجاهدین برای خود برداشتند. مناطق تاریخی نیز به دلیل جنگ‌های شدید به ویرانه تبدیل شدند. قصر دارالامان هنوز داغ‌های آن جنگ‌ها را بر سینه دارد و به تازگی دولت در پی زدودن این داغ‌ها به شکل ظاهری است. پس از سقوط مجاهدین و سلطه طالبان، روزگار آثار و ابنیه تاریخی بدتر



جنگی که سودش به ما نرسید

● فردوس

حاشیه رانده شود. اما این برنامه را امین خنثا کرد. امین تره‌کی را کشت و کل قدرت را در انحصار گرفت. امین با آن که طرفدار پرو پا قرص شوروی بود و از جزوه‌های لینن و استالین الهام می‌گرفت، نمی‌خواست قدرت را با چهره‌ها و جناح‌های رقیبش تقسیم کند. شوروی‌ها هم از این انحصارگرایی امین خسته شدند و به این نتیجه رسیدند که در موجودیت امین، حتا اگر لشکر عظیمی به افغانستان بفرستند، نمی‌توانند پایه‌های سیاسی حکومت کابل را مستحکم کنند و شورش را مهار. به همین دلیل بود که او را در شش جدی سال ۱۳۵۸ کشتند.

روس‌ها ماه‌ها پیش از شش جدی سال ۱۳۵۸ در افغانستان نیروی نظامی مستقر کرده بودند. یک واحد از نیروهای ویژه‌ی اتحاد شوروی در تپه‌ی تاج بیگ مستقر بود و از امین حفاظت می‌کرد. حادثه‌ی شش جدی سال ۱۳۵۸ سبب شد که حضور نظامی شوروی در افغانستان علنی شود. وقتی که حضور نظامی شوروی در افغانستان علنی شد، تمام نیروهای بنیادگرا و مذهبی علم مقاومت بر ضد روس‌ها و دولت دوست آنان در کابل بلند کردند. لشکرکشی شوروی به افغانستان سبب شد که نیروهای بنیادگرا در سراسر دنیای اسلام برای جنگ با روس‌ها در افغانستان بسیج شوند. رقیبان اتحاد شوروی تصمیم گرفتند تا افغانستان را برای روس‌ها ویتنام بسازند.

بنیادگرایان عرب که از شکست کشورهایشان در برابر اسرائیل احساس حقارت می‌کردند، به افغانستان سرازیر شدند تا با یک «کافر حربی» دیگر در این‌جا بجنگند و بخت خود را بیازمایند. این بنیادگرایان جنگجو که قادر به تطبیق «شریعت» در کشورهای خودشان نشده بودند، به افغانستان آمدند تا در این‌جا شریعت مورد نظر خود را تطبیق کنند. روس‌ها که حالا در افغانستان مستقر شده بودند ناگزیر بودند که با این گوریلاهای پرشور دارای حمایت اجتماعی نیرومند بجنگند.

حزب دموکراتیک خلق یگانه نیروی منسجم طرفدار شوروی در افغانستان بود. این حزب که حاکمیت دولتی را هم به دوش داشت، تنها شریک وطنی اتحاد شوروی بود. اما اتحاد شوروی و حزب دموکراتیک خلق در شکار دل و دماغ مردم افغانستان ناکام ماندند و میزان حمایت اجتماعی از مقاومت ضد شوروی هر روز بلند می‌رفت. به همین دلیل بود که جنگ به بن بست رسید و با عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ دامنه‌ی نبرد تا کشورهای آسیای میانه و قفقاز گسترش یافت.

باید این واقعیت فراموش نشود که مقاومت ضد شوروی در افغانستان، به هیچ‌وجه یک جنگ وطنی و میهنی آزادی‌خواهانه به مفهوم مدرن کلمه نبود. مقاومت ضد شوروی در افغانستان یک نبرد مذهبی بود. این جنگ بنیاد ایدئولوژیک داشت. حزب دموکراتیک خلق هم بنیاد ایدئولوژیک داشت و برای تحقق آرمان‌های ایدئولوژیکش در کنار اتحاد شوروی قرار گرفته بود. در پایان این جنگ هم سودی به افغانستان نرسید.

افغانستان زیربنای اقتصادی خود را از دست داد، اقتصاد روستایی از بین رفت، کمیت بزرگی از جمعیت افغانستان به کشورهای همسایه مهاجر شدند و یک نظام اجتماعی ازهم‌پاشیده، زمین‌های کوکنار، یک نسل بی‌سواد به اضافه بنیادگرایی خشن مذهبی، میراث جنگ دهه هشتاد برای افغانستان بود. این جنگ اگر سودی هم داشت، برای کشور دیگر داشت. درسی که می‌توان از جنگ دهه‌ی هشتاد گرفت، این است که هیچ گاهی باید منافع وطنی و میهنی قربانی باورها و آرمان‌های ایدئولوژیک و اعتقادی نشود.

اتحاد شوروی سابق ۲۷ سال پیش، برای سرپا نگهداشتن حاکمیت حزب دموکراتیک خلق به افغانستان لشکرکشی کرد. پیش از استقرار نیروهای شوروی در افغانستان، حاکمیت حزب دموکراتیک خلق که در راس آن امین بود، چنان ضعیف شده بود که هر لحظه امکان فروپاشی‌اش می‌رفت. حکومت امین از درون و بیرون زیر فشار بود. هم قیام‌های مردمی از بیرون حاکمیت را تهدید می‌کرد و هم تضادهای درونی حزب حاکم، حکومت امین را مثل موربانه می‌خورد. امین چنان انحصارگرا بود که نتوانست تره‌کی را تحمل کند. تره‌کی کاربزمای جناح خلق بود و کشته شدن او نارضایتی گسترده‌ای در میان خلقی‌ها به وجود آورده بود.

اتحاد شوروی به این نتیجه رسیده بود که اگر حاکمیت امین در نتیجه قیام‌های مردمی و بغاوت نیروهای مسلح از هم بپاشد، قلمرو افغانستان به دست نیروهای بنیادگرا می‌افتد و امنیت در مرزهای جنوبی اتحاد شوروی از بین می‌رود. اتحاد شوروی می‌دانست که تمام نیروهای بنیادگرا از جمله بنیادگرایان افغانستان و پاکستان، داعیه‌ی «آزادی» بخارا و سمرقند را در سر می‌پروراند. به همین دلیل برای اتحاد شوروی قابل تحمل نبود که قلمرو افغانستان به دست بنیادگرایان سقوط کند.

سیاست مسکو در قبال افغانستان از سال ۱۹۲۰ به بعد بر نظریه‌ی حمایت از یک دولت دوست در کابل متمرکز بود. بر مبنای همین سیاست بود که روس‌ها از امان‌الله خان حمایت کردند. روس‌ها با نادرشاه نیز روابط خود را مستحکم کردند و او را قانع ساختند تا از مخالفان اتحاد شوروی در آسیای میانه حمایت نکند. شوروی‌ها می‌دانستند که اگر مقاومت ضد روسی در آسیای میانه، صاحب یک عقبه‌ی استراتژیک در شمال افغانستان شود، به‌زودی شکست نمی‌خورد. به همین دلیل بود که آنان سیاست حمایت از یک دولت دوست در کابل را دنبال می‌کردند.

در دوران ظاهرشاه شوروی‌ها کمک‌های بیشتری در اختیار کابل قرار دادند و نیروهای نظامی افغانستان را مدرن ساختند. شاه هم در بدل این کمک‌ها مانع فعالیت‌های نیروهای چپ طرفدار شوروی نمی‌شد. روابط شوروی با داوودخان هم بسیار گسترده بود. اگر حاکمیت حزب دموکراتیک خلق توسط شورش‌های مردمی سقوط می‌کرد، هم دولت دوست اتحاد شوروی دیگر باقی نمی‌ماند و هم دو دهه سیاست نفوذگذاری شوروی در افغانستان با خاک یکسان می‌شد.

تره‌کی و امین هم درک کرده بودند که حفظ حاکمیت حزب دموکراتیک خلق برای اتحاد شوروی بسیار مهم است و به همین دلیل بود که آنان بیست بار از مسکو خواستند تا برای نجات حاکمیت آنان به افغانستان نیرو بفرستد. اسناد نشان می‌دهد که پس از قیام ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ هرات، امین و تره‌کی درک کردند که بدون حضور نیروهای نظامی شوروی دوام نمی‌آورند. شوروی‌ها در آغاز نخواستند که به افغانستان نیرو بفرستند اما بعدا آنان هم متوجه شدند که حاکمیت حزب دموکراتیک خلق بسیار شکننده است و بدون حضور گسترده‌ی نظامی روس‌ها دوام نمی‌آورد.

اسناد نشان می‌دهد که شوروی‌ها در آغاز می‌خواستند که هم‌زمان با استقرار نیروی نظامی در افغانستان پایه‌های حاکمیت حزب دموکراتیک خلق را وسیع بسازند. آنان می‌خواستند که طرفداران بزرگ کارمل هم شریک حکومت تره‌کی شوند و امین که یک استالینست انحصارگرا بود، به

کمیود ساختارهای تفسیری و نظارتی نظام قانون اساسی افغانستان این است که متاسفانه در قانون اساسی کشور، یک نهاد ذیصلاح و متعارف جهت تفسیر و نظارت بر تطبیق قانون اساسی و تعقیب عدلی و قضایی موارد تخلفات قانون اساسی که از جانب اشخاص حقیقی و حکمی به شمول رییس‌جمهور و نهادهای عالی دولتی صورت می‌گیرد، مانند شورای قانون اساسی یا محکمه قانون اساسی در نظر گرفته نشده و در بدو تسوید قانون اساسی کنونی آقای کرزی از تشکیل چنین نهادها به‌خاطر تقویت خودکامه‌گی خویش عمداً جلوگیری کرده و دانسته یا ندانسته راه را در کشور تا به امروز بهر وقوع چنین بحران‌های سیاسی گشود.

معضل سلب اعتماد وزرا در پرتو بحران‌های قانون اساسی و مشروعیت

غلام‌حسن گران

را حمایت مسلکی می‌کند. این گروه به همکاری مسوولان مالی وزارتخانه‌ها تدقیقات و ارزیابی‌های مالی خویش را انجام می‌دهند و نتیجه را به کمیسیون ارایه کرده سپس کمیسیون یک گروه از اعضای خود را به‌حیث گزارش‌گر موظف می‌کند تا تدقیقات‌شان را ادامه بدهند در صورتی که تدقیقات دال بر قصور وزیر در عدم تطبیق بودجه باشد، کمیسیون وزیر مربوط را غرض (استجواب) احضار می‌کند، اگر در نتیجه عملیه استجواب بی‌کفایتی و اهمال وزیر در حصه عدم تطبیق بودجه ثابت شود، موضوع از طریق کمیته روسا غرض استیضاح به صحن (جلسه عمومی) مجلس راجع می‌گردد و در عین زمان مطابق خصلت پارلمان انفعالات سیاسی نیز صورت گرفته و گروه‌های علاقمند پارلمانی - سیاسی حسب احوال به عملیه استیضاح می‌پیوندند.

سپس وزیر بار دیگر به جلسه عمومی احضار شده و در یک سیستم ریاستی چون افغانستان این به مهارت و کفایت وزیر امور پارلمانی بستگی دارد چه او موظف است تا در نشست کمیته روسا با کاربرد شیوه‌های اقناعی و نفوذی سیاسی از استیضاح وزیر مورد نظر جلوگیری کند. وقتی که وزیر در جلسه عمومی حاضر شد، یکایک دلایل مطروح و اسباب استیضاح برایش مانند متهم که در پیش‌گاه محکمه قرار می‌گیرد، فہیم شده و پس از آن از نزدش طلب وضاحت می‌شود. هرگاه توضیحات وی در برابر نمایندگان ملت موجه و قناعت‌بخش نبود سخنگوی یا گزارش‌گر مدعیان استیضاح دوباره موضوع عدم قناعت را با رعایت ماده



(۹۲) قانون اساسی مطرح ساخته بالاخره موضوع سلب صلاحیت را عنوان کرده و پس از رای اکثریت در فرجام، وزیر سلب صلاحیت می‌شود. تشریفات مذکور پارلمانی در مسوده مقدماتی اصول وظایف داخلی ولسی جرگه با توجه به تمرین و رویه پارلمانی به شکل مرحله‌وار، دقیق و عادلانه در نظر گرفته شده بود، اما متاسفانه در آغازین روزهای دوره پانزدهم شورای ملی یک حلقه از وکلا این فرآیند پارلمانی را در مواد (۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳) اصول وظایف داخلی ولسی جرگه به منظور منافع شخصی و گروهی‌شان به ماهیت کنونی آن تغییر جهت دادند.

شکل دوم استیضاح آن‌چنان که در ماده (۹۲) قانون اساسی کشور و ماده (۱۰۰) اصول وظایف داخلی ولسی جرگه مرتب شده است، درست همان عملیه استیضاح است که در صحن (جلسه عمومی) جرگه معمول می‌باشد. به ترتیبی که با رعایت مندرجات ماده فوق، عملیه استیضاح مستقیماً در جلسه عمومی مطرح می‌گردد، اما مطابق رویه و تعامل پارلمانی و با توجه به نص صریح ماده (۹۲) قانون اساسی این حالت در موارد خیلی مشهود و روشن که ایجاب فرایند پارلمانی را در کمیسیون نکند، به‌صورت نادر و استثنایی صورت می‌گیرد. به طور مثال استیضاح وزیران امور داخله، دفاع ملی و رییس عمومی امنیت ملی در دوره پانزدهم ولسی جرگه پیرامون اهمال در حمله تروریستی به منطقه جشن و یک مثال تاریخی آن در دوره صدارت مرحوم نوراحمد اعتمادی در زمان شاهی مشروطه در ثور سال (۱۳۵۰) صورت گرفته است، به این ترتیب که یکی از نمایندگان ولایت هلمند در حین رفتن به سوی ولسی جرگه توسط یک پولیس ترافیک شدیداً مورد لت‌وکوب قرار می‌گیرد و در همان صبح اجلاس جرگه شماری معین از وکلا تقاضای فوریت استیضاح وزیر امورداخله را در اجندای همان روز درخواست می‌کنند، اما عده دیگری از وکلا موضوع عدم همکاری حکومت را مطرح ساخته تمام حکومت را در برابر چالش استیضاح قرار می‌دهند و در نتیجه رای‌گیری، حکومت مرحوم نوراحمد اعتمادی سلب صلاحیت می‌شود. قدر مسلم این است که در هر دو حالت تکنیکی فوق،

تقابل قوا و معضل تثبیت مرجع تفسیر قانون اساسی را در کشور پدید آورد و سپس منشا بحران‌های دیگر سیاسی شد. در این مبحث نمی‌خواهم به شرح تفصیلی آن بپردازم. به همین‌گونه قانون رسانه‌ها نیز در یک مورد ویژه به ستره محکمه محول شد (گرچه تفویض صلاحیت تفسیر قانون اساسی به کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی توسط ولسی جرگه بالنوبه کار عده‌ای از وکلایی بود که عقده‌مندانه بدون نظر داشت پیشینه تاریخی نهادهای متعارف تفسیر قانون اساسی در جهان و کشور ما و دکتترین حقوق اساسی به شکل‌دادن این بحران مبادرت ورزیدند که ایجاب یک بحث جداگانه را می‌نماید).

تذکار این معضلات ناشی از قانون اساسی ابعاد گوناگون دارد که در گام نخست به نحو سیستم‌های مطلق و نسبی تفکیک قوا بر می‌گردد. به گونه‌ای که در سیستم تفکیک نسبی قوا که عملیه‌های پارلمانی بر مبنای نوع تعامل متقابل بین قوه اجرایی و قوه مقنن در صحن پارلمان (جلسه عمومی) می‌باشد و از بروز این حالات در بسا موارد جلوگیری می‌کند و معضل دوم نبود احزاب سیاسی و صف‌آرایی رسمی و معمول جناح حکومت و مخالفان سیاسی رسمی در صحن پارلمان می‌باشد. این دو معضل در اکثر موارد، عامل چنین بحران‌ها بوده و باز هم از شرح جزئیات آن انصراف می‌کنیم.

از نظر رویه پارلمانی و تمرین پارلمانی، عملیه استیضاح پارلمانی در صحن جرگه (جلسه عمومی) به دو شکل صورت می‌گیرد. تکنیک اول این است که در همین مورد ویژه یعنی تطبیق بودجه نخست در یکی از کمیسیون‌های سکتوری جرگه و یا کمیسیون مالی و بودجه موضوع تطبیق بودجه بالخاصه در راستای تطبیق برنامه‌های انکشافی در داخل کمیسیون از طرف کارشناسان مسلکی که اعضای جرگه نیستند مورد کارشناسی قرار می‌گیرد. چنان‌که ولسی جرگه در کمیسیون‌ها و ریاست خدمات تحقیقاتی دارالانشای خویش این کارشناسان را دارد و بر علاوه یک مرکز حمایت را به‌نام (واحد بودجه) داشته که همواره در طی مراحل بودجه و در جریان سال مالی پیرامون تطبیق بودجه کمیسیون مالی و کمیسیون‌های سکتوری

در این اواخر موضوع سلب صلاحیت هفت وزیر از جانب ولسی جرگه و احاله مصوبه جرگه غرض استفسار به ستره محکمه یک بار دیگر معضل «بحران مشروعیت» و «بحران قانون اساسی» را در کشور پدید آورده است که طی این مدت پرسش‌های گوناگونی را پیرامون صلاحیت‌های حقوقی و قانون اساسی سه مرجع مطرح در معضل چون قوه مقنن، قوه قضایی، کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی و رییس‌جمهور به‌حیث رییس دولت را در پیوند به این مساله وارد گفتمان‌های سیاسی و حقوقی کشور کرده است.

این بار چندم است که در مغایرت به احکام قانون اساسی و اصل تفکیک قوای دولت و اصل نظارت و تعادل، مصوبه ولسی جرگه غرض استفسار یا استحصال نظر از سوی رییس‌جمهور قبلی و رییس‌جمهور کنونی به ستره محکمه ارجاع می‌گردد که بدون شک در مسیر تاریخی حقوق اساسی و نظام‌های سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری در گیتی بی‌پیشینه است.

نخستین رویداد مشابه ارجاع مصوبه ولسی جرگه پیرامون سلب صلاحیت آقای رنگین دادفر سپینا وزیر امور خارجه وقت توسط آقای حامدکرزی به مثابه یک (بدعت خبیثه) به ستره محکمه بود این معضل در نوع خود تنها در حکم بحران قانون اساسی تلقی نمی‌شد بلکه به یک افتضاح سیاسی نیز مبدل گردید. چنان‌که اکنون در برخی گفتمان‌های آکادمیک و پژوهشی به مثابه یک اقدام بی‌نظیر در تاریخ نظریات حقوق اساسی به‌نام «داستان سپینا-Spanta Episode» معروف شده است. انگیزه اصلی این معضل عبارت از این است که رییس‌جمهورها در قبال چنین برخوردهای پارلمانی‌شان مغایر ماده (۶۰) قانون اساسی به‌حیث رییس دولت نه، بلکه به‌حیث رییس حکومت و انکشاف نشان داده و خود به یک عامل بحران‌زا مبدل می‌شوند. به دنبال این رویداد قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که بر وفق ماده (۹۷) قانون اساسی طرح جرگه بود نیز در مغایرت صریح با ماده (۹۴) قانون اساسی در یک مورد ویژه راجع به مرجع تفسیر قانون اساسی به ستره محکمه ارجاع شد که بدین وسیله آقای حامد کرزی به‌گونه عمدی تا به امروز بحران

فیصله ولسی جرگه مطابق احکام قانون اساسی نهایی، مختوم و مرعی الاجرا می‌باشد که بلادرنگ وزرا در فقدان حیات صلاحیت و اهلیت حقوقی و قانونی قرار می‌گیرند، اما این بدعت خارج از محدوده قانون اساسی که در کشور معمول شده و فیصله قوه مقنن را به قوه قضایی محول می‌سازند، چنان می‌ماند که رییس‌جمهور فیصله نهایی قضا را در مورد حبس یا اعدام محکوم علیه به ولسی جرگه محول بسازد تا جرگه پیرامون صحت و قانونیت آن ابراز نظر کند. زیرا در یک نظام انتخابی و قانون اساسی مبتنی بر مردم‌سالاری تفکیک قوا و اصل نظارت و تعادل، این یک نمایش خیلی مضحک خواهد بود تا تقابل قوا و مداخله یک قوه در امور قوه دیگر به وجود آید و لو اگر مصوبه ولسی جرگه نیز این چنینی باشد. زیرا پراگماتیسم (عمل‌گرایی) سیاسی به منظور حفظ سلامت نظام اجازه نمی‌دهد تا نقض قانون و بحران تقابل قوا سلامت نظام آن هم در یک دموکراسی نوپا را مع الوصف شرایط ناگوار امنیتی و ده‌ها چالش دیگر آسیب‌پذیر بسازد.

مساله حقوقی سلب اعتماد این هفت وزیر این سوال را مطرح می‌سازد که کدام طرف در موضع مشروع قرار دارد. ولسی جرگه یا حکومت؟ پاسخ به این سوال این است که این مساله مشخص در ذات خود یک (دایره خبیثه) بوده طوری که به هر طرف که آن را بچرخانید در یک محور مشروعیت و در یک منفذ بیرون‌رفت قرار نمی‌گیرد زیرا در این مورد ویژه و استثنایی دو عامل مطرح بحث است، به شرح ذیل که عبارت‌اند از «بحران قانون اساسی» و «بحران مشروعیت»:

نخست بر وفق فقرات مندرج ماده (۸۳) قانون اساسی کشور مدت کار ولسی جرگه به صورت قطعی در سال گذشته به پایان رسیده است. فورمول شمارش معیاد پیش‌بینی شده در فقره دوم ماده مذکور نه در قوانین اساسی کشورهای جهان معمول است و نه از نگاه محاسبه ریاضی منطق خود را داشته، از این رو در پایان موعده هر دو دوره پارلمانی بحران‌آفرین شده است. از سوی دیگر استناد به شرط (بعد از اعلان نتایج انتخابات) در فقره دوم ماده (۸۳) مذکور یک استناد غیر حقوقی به منظور تداوم کار ولسی جرگه می‌باشد. زیرا هیچ منطق تداوم کار جرگه را توجیه کرده نمی‌تواند. چرا که در حالت عدم برگزاری انتخابات ولسی جرگه، محدوده زمانی تداوم کار جرگه فعلی تا چند سال دیگر است؟ یعنی محدود و یا متوالی؟ در حالی که مخاطب این شرط قانون‌گذار حکومت است نه ولسی جرگه تا در زمان معین آن بر وفق فقره سوم ماده (۸۳) قانون اساسی انتخابات پارلمانی را برگزار کند، که نکردند و به ذات خود نقض قانون اساسی و عذری بدتر از گناه را به‌عمل آورده‌اند.

پس در این حالت در فقدان حیات حقوقی ناشی از قانون اساسی، ولسی جرگه اختیار سلب صلاحیت از وزرا را دارد؟ زیرا تداوم کار جرگه در مغایرت به قانون اساسی بوده و کلیه اجرات، تصرفات و عمل‌کردهای آن مبنای قانون اساسی را ندارد. بالفرض اگر داشته هم باشد، زمانی که برخلاف کلیه موازین قانون اساسی، حقوقی و سیاسی فیصله ولسی جرگه غرض استفسار یا استحصال نظر به ستره محکمه ارجاع می‌گردد باز هم ستره محکمه صلاحیت تفسیر را دارد؟

پاسخ این است که مطابق شیوه‌های معمول قانون‌نگاری و عملیه حقوقی تفسیر، ابهام، تناقض و سکوتی در نص حکم ماده (۹۲) قانون اساسی که مستلزم تفسیر و توضیح باشد وجود ندارد و ثانیاً مرجع تفسیر قانون اساسی با توجه به مندرجات قانون کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی توسط آقای کرزی تا به امروز به یک بحران قانون اساسی و یک مورد متنازع فیه مبدل شده است.

کمیود ساختارهای تفسیری و نظارتی نظام قانون اساسی افغانستان این است که متاسفانه در قانون اساسی کشور، یک نهاد ذیصلاح و متعارف جهت تفسیر و نظارت بر تطبیق قانون اساسی و تعقیب عدلی و قضایی موارد تخلفات قانون اساسی که از جانب اشخاص حقیقی و حکمی به شمول رییس‌جمهور و نهادهای عالی دولتی صورت می‌گیرد، مانند شورای قانون اساسی یا محکمه قانون اساسی در نظر گرفته نشده و در بدو تسوید قانون اساسی کنونی آقای کرزی از تشکیل چنین نهادها به‌خاطر تقویت خودکامه‌گی خویش عمداً جلوگیری کرده و دانسته یا ندانسته راه را در کشور تا به امروز بهر وقوع چنین بحران‌های سیاسی گشود.

در اخیر این گفتمان کوتاه‌ترین راه‌کار غرض حل بحران مشروعیت این است که یا به رعایت مصلحت عمل‌گرایی سیاسی به مصوبه صادره ولسی جرگه پیرامون سلب صلاحیت هفت وزیر که حاصل تبعات غیر قانونی تداوم کار جرگه می‌باشد، مهر تایید گذاشته شود و یا به منظور اختتام بحران مشروعیت، بحران قانون اساسی و در نهایت نا به‌سامانی‌های سیاسی ناشی از بحران مشروعیت غرض پایان کار غیر قانونی ولسی جرگه، با عطف توجه به قاعده معروف شرعی و حقوقی (دفع مفسد بر جلب منافع مقدم است) به آن‌ها یک دعای خیر داده شود و با مرخصی با عافیت‌شان، وزرای مذکور کماکان ایفا گردند.

نبود کار عامل بازگشت درمان‌شدگان به اعتیاد

زینب فرهمند

در حالی که سلامت عظیمی وزیر مبارزه با مواد مخدر می‌گوید که این وزارت نهایت تلاش خود را در راستای مبارزه با مواد مخدر و محو اعتیاد انجام می‌دهد، اما معتادانی که در زیر پل سوخته به سر می‌برند می‌گویند که آن‌ها پس از درمان در کمپ‌های معتادان و بازگشت به خانه و مواجه شدن به بی‌کاری و ناامیدی‌های دیگر، دوباره به زیر پل سوخته برای مصرف مواد مخدر می‌آیند.

سلامت عظیمی وزیر مبارزه با مواد مخدر در برنامه‌ی جمع‌آوری معتادان صبح روز یکشنبه مبارزه با مواد مخدر را از اولویت‌های هر شهروند خواند و خواستار توجه همگانی این امر در افغانستان شد.

وزیر مبارزه با مواد مخدر گفت: «بعد از تصویب برنامه‌ی عمل مبارزه با مواد مخدر، تصمیم بر این گرفته شد که وزارت‌های سکتوری مانند وزارت صحت عامه، امور داخله، مبارزه علیه مواد مخدر و کار و امور اجتماعی، جمع‌آوری معتادان را انجام بدهند چون اعتیاد در افغانستان به نوعی به چالش بزرگ مبدل گشته است و باید جمع‌آوری معتادان در شهر کابل آغاز شود. البته کمپ امید که سال گذشته افتتاح شده بود ظرفیت ۱۵۰۰ نفر را دارد و ما امروز خواستیم که به تعداد ۴۰۰ تن را جمع‌آوری کنیم. البته چالش مبارزه با مواد مخدر یک چالش همه‌گانی است و از مردم و جامعه‌ی جهانی می‌خواهیم که در امر مبارزه با مواد مخدر و محو اعتیاد، حکومت افغانستان را همکار باشند.»

در عین حال عده‌ای از معتادان مدعی‌اند که برخی از ماموران پولیس در نشر و فروش مواد مخدر با فروشندگان آن همکاری می‌کنند. آنان می‌گویند که برخی از ماموران پولیس به ساقی‌ها (فروشندهگان مواد مخدر) در بدل پول هر هفته اجازه فروش مواد مخدر می‌دهند. مسعود که از زیر پل سوخته بیرون آورده شده تا به کمپ برده شود، گفت: «من در کمپ در هلمند معتاد شدم، همین رفیق‌های بد داشتیم و آن‌ها کشیدند و مرا هم تشویق کردند. من می‌بینم که پولیس‌ها از ساقی‌ها در بدل فروش مواد باج می‌گیرند و با آن‌ها هم‌دست‌اند. ساقی‌ها اگر به پولیس پول

مسعود که از زیر پل سوخته بیرون آورده شده تا به کمپ برده شود، گفت: «من در کمپ در هلمند معتاد شدم، همین رفیق‌های بد داشتیم و آن‌ها کشیدند و مرا هم تشویق کردند. من می‌بینم که پولیس‌ها از ساقی‌ها در بدل فروش مواد باج می‌گیرند و با آن‌ها هم‌دست‌اند. ساقی‌ها اگر به پولیس پول ندهند، باز پولیس کارشان را لنگ می‌کند و اجازه فروش برشان نمی‌دهد اما ساقی‌ها به آن‌ها پول می‌دهند و پولیس می‌گذارد که آن‌ها به کارشان برسند.»



درمان دوباره به اعتیاد رو آورده‌اند. عبدالمنان آزادمنش رییس بخش کاهش تقاضای مواد مخدر وزارت صحت عامه در مورد این که چرا عده‌ی زیادی از معتادان پس از درمان دوباره به مواد مخدر روی می‌آورند، گفت: «این که معتادان چرا پس از تداوی‌شان دوباره به اعتیاد روی می‌آورند، شامل چند بحث است، معتادی که درمان شده دوباره به خانواده بر می‌گردد، آیا می‌تواند اعتماد خانواده و جامعه را جلب کند یا نه؟ برای این هم اگر مورد احترام و اعتماد گذشته قرار گرفت که خوب، اما اکثراً که قرار هم نمی‌گیرند پس به سرخوردگی دچار شده و با ناامیدی دوباره به

مجازات کرده‌ایم. ما نهایتاً تلاش خود را انجام می‌دهیم که با این امر مبارزه‌ی مثمر انجام بدهیم. حتا امسال ما ۷۲۱ نفر از قاچاق‌بران و دست‌فروشان مواد مخدر را بازداشت کرده‌ایم. ما تلاش داریم که دست‌اندرکاران فروش مواد مخدر را بازداشت کنیم و این را نادیده نباید گرفت که تا زمانی که مشکل تقاضای مصرف‌کنندگان کم نشود، ما هم نمی‌توانیم به طور کل عوامل را بازداشت و مجازات کنیم.» از سوی دیگر، بر اساس گفته‌های معتادانی که جمع‌آوری شدند، عده‌ای از معتادان در میان آن‌ها وجود دارد که برای چندمین بار برای درمان به کمپ رفته‌اند، اما پس از

ندهند، باز پولیس کارشان را لنگ می‌کند و اجازه فروش برشان نمی‌دهد اما ساقی‌ها به آن‌ها پول می‌دهند و پولیس می‌گذارد که آن‌ها به کارشان برسند.»

اما بازمحمد احمدی معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله می‌گوید که این وزارت شماری از پولیس‌ها را که با این موردها ارتباط داشته‌اند، شناسایی و بازداشت کرده‌اند. وی گفت: «در این جای شک است که ممکن برخی از اراکین و افراد پولیس در این امر دست داشته باشند، اما ما در این سال، بیش‌تر از پنجاه نفر پولیس را به ارتباط همکاری با فروشندگان مواد مخدر بازداشت و

اعتیاد روی می‌آورند. از سوی دیگر بی‌کاری که مشکل عمده‌ی جوان‌ها و مردم افغانستان است، پس باز هم وقتی که با فقر در خانه‌ی خود مقابل می‌شود و بی‌کار می‌ماند، ناامید شده و به اعتیاد روی می‌آورد. بی‌کاری می‌تواند از دلایل عمده‌ی بازگشت معتادان به اعتیاد باشد.»

علاوه بر درمان این معتادان در کمپ امید، وزارت کار و امور اجتماعی دوره‌های کارآموزی را ایجاد کرده است تا مهارت‌های کاری را به معتادان در حال درمان بیاموزاند. اما معتادان می‌گویند که وقتی دوره‌ی درمان آنان به سر می‌رسد و از کمپ خارج می‌شوند با بی‌کاری مواجه می‌شوند. محمد رضا که پنج سال می‌شود معتاد است می‌گوید که اگر پس از فارغ‌شدن از درمان بی‌کار بماند، احتمال ۸۰ درصدی وجود دارد که دوباره معتاد شود. احمدشاه صالحی معین امور کار، وزارت کار و امور اجتماعی در امر بی‌کاری جوانان اعم از صحت‌مندان و معتادان درمان شده می‌گوید که این وزارت به تنهایی نمی‌تواند ایجاد کار کند و در کل بیشتر ایجاد پالیسی‌های شغلی مربوط این وزارت می‌شود. احمدشاه صالحی گفت: «ما تلاش‌های خود را در کاهش و محو بی‌کاری انجام می‌دهیم، به طور مثال همین که دوره‌های کارآموزی را برای معتادان فراهم کرده‌ایم، معتادان می‌توانند که پس از فراگیری این مهارت‌ها در مارکیت و بازار شامل کار شوند. البته متأسفانه که نیروی کار ما با میزان فرصت‌های شغلی متعادل نیست. جوانان از دانشگاه‌ها فارغ می‌شوند، اما در مارکیت جلب نمی‌شوند. اما وقتی می‌گوییم که وزارت کار و امور اجتماعی این به مطلق معنای ایجاد کار را نمی‌دهد و ما در کل وظیفه‌ی ساختن پالیسی‌های کاری را داریم. وزارت کار و امور اجتماعی به تنهایی نمی‌تواند ایجاد کار کند، اما ما تلاش می‌کنیم.»

در این برنامه که عده‌ی زیادی از معتادان توسط نیروهای امنیتی و داکتران مربوطه جمع‌آوری شدند، سه زن نیز به چشم می‌خورد که یک تن از آنان دختر جوان، یکی مادر و دیگری پیر زنی بود که می‌گفت او می‌خواهد درمان شود، اما به شرطی که زنان دیگری که در آن‌جا حاضر نبودند، نیز درمان شوند.

پروژه‌های امیدوارکننده جذب افراد مسلکی در ادارات دولتی

حبیب بهزاد

اگر مروری کوتاه و مختصر به تاریخچه کاریابی در کشور داشته باشیم، در خواهیم یافت که وضعیت کسب شغل در گذشته‌ها زیاد سخت و جدی نبوده است. یعنی برای احراز هر بست شرایط زیاد دشوار نبود. تا قبل از دوره حکومت انتقالی به ریاست حامد کرزی، سواد خواندن و نوشتن بزرگ‌ترین اعتبار برای احراز هر بست به شمار می‌رفت و در گذشته‌های نسبتاً دور که عسکری جبری بود، برای کسانی که سواد خواندن و نوشتن را دارا بودند، بلندترین مقام و منصب دولتی در نظر گرفته می‌شد.

حتا کسانی وجود داشتند که بدون مدرک و اسناد تحصیلی در بست‌های پایین ادارات دولتی وارد کار می‌شدند و سلسله‌وار قدم‌های هر بست را طی می‌کردند تا بست‌های بالاتر را احراز کنند. چنین افراد، سلسله مراتب کارهای اداری را به صورت حرفه‌ای بلند اند، اما وقتی سخن از نوآوری، خلاقیت، موثرت، مثمريت و افزایش بهره‌وری به میان می‌آید، چیزی برای گفتن و عمل‌کردن نخواهند داشت. چون به صورت تکرار در یک ساحه فعالیت کرده‌اند و دانش اساسی مطابق به رشته و مسلک‌شان ندارند.

در کل در گذشته‌ها (به‌خصوص قبل از دهه هفتاد)، اولاً انسان‌های مسلکی، تحصیل‌کرده، ما هر و متخصص در کشور ما به ندرت یافت می‌شد و ثانياً تکنولوژی و علم روز به اندازه امروز رشد نکرده بود تا برای پیش‌بردن یک بست، آدم با تجربه، مسلکی، حرفه‌ای و



اما عصر حاضر، عصر تغییر نامیده می‌شود. قوانین، پروژه‌ها و معیارهای جذب افراد در سازمان‌ها نیز در حال تغییر است. سازمان‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان، به افراد تحصیل‌کرده، با تجربه و ماهر نیاز دارند.

نظر می‌گیرند:
- تحصیلات مطابق به وظیفه‌ای که در خواست می‌کنید؛
- تجربه کاری مطابق به وظیفه؛
- آشنایی با زبان بین‌المللی (انگلیسی) و مهارت کامپیوتری
بر فرض اگر فردی بخواهد، برای بست سوم (آمریت بودجه) درخواست کار کند، باید حداقل لیسانس اقتصاد، مالی و حسابداری یا رشته‌ای که هم‌خوان با بودجه داشته باشد. دو سال یا بیشتر تجربه کاری در همین بخش داشته باشد و مهارت‌های کامپیوتری را دارا بوده و زبان انگلیسی نیز بلد باشد. هرچند پروژه‌های جلب و جذب افراد ماهر، مسلکی و تحصیل‌کرده در ادارات

ماهر را جذب سازمان‌ها کنند. اما عصر حاضر، عصر تغییر نامیده می‌شود. قوانین، پروژه‌ها و معیارهای جذب افراد در سازمان‌ها نیز در حال تغییر است. سازمان‌ها برای رسیدن به اهداف‌شان، به افراد تحصیل‌کرده، با تجربه و ماهر نیاز دارند. یعنی همه چیز عملاً به سوی تخصصی‌شدن در حرکت است. موسسات خصوصی که دونه‌های بین‌المللی دارند، سال‌ها است که نیروی تخصصی‌شدن امور فعالیت می‌کنند و ادارات دولتی نیز برای احراز بست‌های جدید، شرایط متفاوت‌تر از گذشته را در نظر گرفته‌اند. یعنی شرایط احراز بست نسبت به گذشته‌ها کاملاً تغییر کرده است و موارد ذیل را اکنون در

دولتی به کندی پیش می‌رود، اما نفس تخصصی‌سازی و جذب افراد مسلکی در سازمان‌ها، امیدوارکننده است.

چرا سازمان‌ها نیاز به جذب افراد مسلکی و ماهر دارند؟
دلایل زیادی برای جذب افراد مسلکی، با تجربه و ماهر در سازمان‌ها وجود دارد. اول این که هر سازمان دارای یک سلسله اهداف خاص خود می‌باشد و رسیدن به این اهداف نیاز به بعضی منابع دارد. در میان مجموع منابع، منبع انسانی با ارزش‌ترین و موثرترین منبع بوده که با منطق، اصول، مهارت تجزیه و تحلیل و حل مشکل، مدیریت، پشت کار و هم‌سوی با منابع مادی و فیزیکی در راستای رسیدن به هدف گام بردارد. به همین دلیل سازمان‌های امروزی تلاش می‌کنند تا روی منابع انسانی بیشتر سرمایه‌گذاری کنند و افرادی که دارای فکر خلاق و منطقی برای حل مشکل، مهارت در مدیریت و پیش‌برد امور کاری داشته و از دانش و تجربه‌ی مسلکی برخوردار باشند را جذب سازمان کنند. دلیل دوم، رقابت با سازمان‌ها است.

سازمان‌هایی که خدمات یا تولید یک‌سان داشته باشند، در بازار کار باهم رقابت دارند. در این رقابت سازمانی برنده است که دارای منابع انسانی مسلکی، کارا، متعهد، خلاق و نوآور باشد. به همین منظور اکثر سازمان‌ها در تلاش‌اند تا برای رقابت با سازمان‌های هم‌سوی، کارمندان کارا، متعهد و مسلکی را جذب کنند. چون این منبع، توانایی رقابت با سازمان‌های دیگر را تضمین می‌کند و سازمان را به سوی هدفی که قبلاً تعیین شده به خوبی سوق می‌دهد. دلیل سوم، رشد تکنولوژی است. به همان میزان که نیروی انسانی در رسیدن به اهداف سازمانی نقش دارد، نقش دارد. استفاده از ابزارهای مدرن و پیش‌رفته نیاز به نیروی انسانی ماهر و مسلکی دارد تا بتواند از این ابزارها برای رسیدن به اهداف سازمانی استفاده‌ی قوی کند و هم‌گام با دیگر منابع بتواند موثرت، مثمريت، کارایی و بهره‌وری سازمان را بالا ببرد و سازمان به اهداف تعیین شده‌ی خود نایل آید.

Azizi Bank is felicitated at the World Leadership Awards – Mauritius

Azizi Bank is awarded with the Industry Leadership Award at the glamorous World Leadership Congress & Innovations Awards 2016 held at the Le Meridien, Mauritius on 6th December 2016. Deputy CEO of Azizi Bank – Mr. Mohammad Osman Nowrozi collected the award on behalf of the bank.

The award is given to Azizi Bank for continuing the banking supremacy in Afghanistan over the years and creating a world class banking experience for its customers.

Currently Azizi Bank is having 75 branches and 10 extension countries across 30 provinces in the country and more than 145 branches along with its 100% subsidiary bank- Bakhtar Bank.



افتخار کسب جوایز جهانی رهبری در مارشس توسط عزیزی بانک

عزیزی بانک در محفل شکوهمند تحت نام کنگره رهبری جهان و جوایز ابتکار ۲۰۱۶ که به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۶ در مارشس برگزار گردیده بود به کسب جایزه مهارت رهبری جهان نایل گردید. جایزه متذکره را آقای محمد عثمان نوروزی معاون اجرایی عزیزی بانک به نمایندگی عزیزی بانک بدست آورد.

این جایزه را عزیزی بانک به پاس عرضه خدمات بانکی همگام با جهان امروزی برای مشتریان خویش کسب نمود.

عزیزی بانک در حال حاضر در سراسر افغانستان دارای ۷۵ نمایندگی، ۱۰ غرفه توسعه‌ی بوده و در کنار باختر بانک که صد فیصد از جمله فروعات آن می باشد، دارای ۱۴۵ نمایندگی در کشور بوده و در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد.

نزدیک به پنجاه هزار آلمانی به دلیل ترس از یک انفجار خانه‌های خود را ترک کردند

به گزارش بی‌بی‌سی، تصور می‌شود این بمب هزار و هشتصد کیلوگرمی بریتانیایی به دوران حملات هوایی متحدین در سال ۱۹۴۴ میلادی مربوط باشد.

در جریان این بمباران این شهر قدیمی تخریب شد. مقامات اطمینان دارند که اکثر مردم می‌توانند در خانه‌های دوستان و بستگان خود بمانند، اما در عین حال شماری از مکاتب و سالون ورزشی را هم برای اسکان مردم شهر آماده کرده‌اند.

از بیش از پنجاه هزار نفر از ساکنان شهر آگسبورگ در جنوب آلمان خواسته شده تا در روز کریسمس خانه‌های خود را ترک کنند.

این اقدام با هدف خنثاکردن بمبی صورت گرفته که مربوط به جنگ جهانی دوم می‌شود.

از پایان جنگ جهانی به این سو، این نخستین باری است که چنین جمعیت عظیمی مجبور می‌شوند خانه‌های خود را برای خنثاکردن یک بمب عمل نکرده، ترک کنند.

در سقوط هواپیمای نظامی روسیه تمام سرنشینان آن کشته شدند



است. گزارش شده که این گروه موسیقی قرار بوده به مناسبت سال نوی میلادی برای نظامیان مستقر روس در پایگاه هوایی حمیمیم در لاذقیه برنامه اجرا کند.

این هواپیمای دو دقیقه پس از برخاستن از میدان هوایی آدلر در سوچی در ساعت ۵:۲۵ صبح به وقت محلی از صفحه رادار محو شده است.

مبدأ اصلی این پرواز مسکو بوده که برای سوخت‌گیری در سوچی فرود آمده بود. بنا بر گزارش‌ها شرایط جوی پرواز در سوچی مطلوب بوده است.

ولادمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، دمیتری مدودف نخست‌وزیر این کشور را مسوول تشکیل هیاتی برای پی‌گیری این سانحه هوایی کرده است.

دولت روسیه روز دوشنبه را عزای عمومی اعلام کرده است. روسیه که هم‌پیمان دولت بشار اسد در جنگ با شورشیان و گروه داعش است، دست‌کم یک پایگاه هوایی در ولایت لاذقیه دارد. حدود دو ماه پیش در توافقنامه‌ای به نیروی هوایی روسیه اجازه «استفاده نامحدود» از پایگاه هوایی حمیمیم در لاذقیه داده شده است. پایگاه حمیمیم به طور انحصاری در اختیار هواپیماها و پرسونل نظامی روسیه قرار دارد، اما هواپیماهای روسی از برخی از تسهیلات میدان هوایی بین‌المللی باسل اسد نیز استفاده می‌کند.

وزارت دفاع روسیه تأیید کرده است که یک هواپیمای نظامی که از مرکز تفریحی سوچی به آسمان برخاسته بود، در دریای سیاه سقوط کرده است.

به گزارش بی‌بی‌سی، این هواپیمای دقیقاً پس از برخاستن از صفحه رادار محو شده است.

این هواپیمای به سوی ولایت لاذقیه در سوریه پرواز می‌کرده و در حال انتقال نظامیان روس به سوریه بوده است.

وزارت دفاع روسیه گفته است: «تکه‌های هواپیمای توپولوف ۱۵۴ وزارت دفاع روسیه در عمق ۵۰ تا ۷۰ متری در دریای سیاه در فاصله یک‌ونیم کیلومتری ساحل سوچی پیدا شده است.»

هم‌چنین گفته شده که جسد چندین سرنشین هواپیمای از آب گرفته شده است.

به گفته وزارت دفاع روسیه، ۹۳ نفر در این هواپیمای بوده‌اند که هیچ‌کدام از آن‌ها نجات پیدا نکردند. شصت‌وپنج نفر از مسافران این هواپیمای را اعضای گروه مشهور موسیقی الکساندروف تشکیل می‌دادند.

۹ خبرنگار، ۸ سرباز، دو کارمند دولت و ۸ خدمه پرواز، مسافران دیگر این هواپیمای بوده‌اند.

مسافر دیگر این هواپیمای الیزاوتا گلینکا، مشهور به دکتر لیزا بوده است که مدیرعامل بنیاد خیریه «فراید» است. خانم گلینکا نخستین برنده جایزه دولتی حقوق بشر روسیه بوده

هم‌رنگ شدن مساجد و کلیسا در کینیا



بین مسیحیان و مسلمانان در کینیا، اغلب درگیری وجود دارد. به ویژه زمانی که اسلام‌گرایان گروه الشباب از کشور همسایه سومالی بر این کشور حملاتی را انجام می‌دهد. اینک به عنوان نمادی از وحدت، کلیساها و مساجد را رنگ زرد کرده‌اند.

مردان جوان در مسجد جده برای نماز خواندن دور هم جمع شده‌اند. این مسجد یکی از معروف‌ترین مساجد در پایتخت کینیا، نایروبی است و در حومه کینیا که یکی از مناطق بزرگ غربی کینیا است، موقعیت دارد. در این اواخر این مسجد محبوبیت بیشتر پیدا کرده است. در این روزها از دیوارها تا سقف مسجد جده، با یک رنگ زرد روشن رنگ‌مالی شده است. جوانان مسلمان با جوانان مسیحی مشترکاً این مسجد را رنگ‌آمیزی کرده‌اند. به گزارش دویچه‌وله، یکی از رنگ‌مالان این مسجد می‌گوید:

«مسلمانان و مسیحیان دور هم آمدیم و بالاخره موفق شدیم این مسجد را رنگ کنیم.»

درست مثل این مسجد جوانان با هم کلیسای منطقه را نیز تازه رنگ کردند. این کلیسا فقط چند صد متر از مسجد فاصله دارد. مسلمانان و مسیحیان هم در این منطقه و هم در دیگر مناطق کینیا نزدیک به هم زندگی می‌کنند. کشیش البرت ویشاه می‌گوید: «مردم هم‌دیگرشان را خوش ندارند و پشت هم‌دیگرشان حرف‌های بد می‌زنند. آن‌ها در قبال مذاهب دیگر بد صحبت می‌کنند و به این اساس به اطفال ما نیز چنین افکاری انتقال پیدا می‌کند.»

به خصوص فضا هنگامی بدتر می‌شود که اسلام‌گرایان از کشور سومالی بر این کشور شرق آفریقا حمله می‌کنند.

سه سال پیش آن‌ها یک مرکز خرید را هدف حمله قرار دادند. حملات بر دانشگاه و یک بس هم صورت گرفت. شیخ یوسف ناصر از مسجد جده می‌گوید که پس از چنین حوادث، مسلمانان تحت فشار قرار می‌گیرند. او در ادامه می‌گوید: «حوادثی بسیار ناگوار بود. پس از این حملات مسیحیان در تمام کینیا با ترس زندگی می‌کنند. می‌توان گفت که یک نوع ترس از اسلام به وجود آمده است.»

این پروژه با کلیساها و مساجد زرد رنگ یک پیش‌رفت است در روبرویی با چنین حوادثی است. این پروژه «رنگ در ایمان» نام دارد. اگر این نام را آزاد ترجمه کنیم، «رنگ برای اعتماد متقابل» معنا می‌دهد. نیل‌علیای که ابتکار عمل را در دست داشته، می‌گوید که چرا رنگ زرد انتخاب شده است. او گفته است: «زرد یک رنگ گرم است و رنگ نور است که تاریکی را از بین می‌برد. اگر به نقاشی‌های کلیساها توجه کنیم، می‌بینیم که فرشته‌ها همه با رنگ زرد می‌درخشند.»



Call for bidding of 2 used generators for sell:

The Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH is implementing Technical Cooperation measures on behalf of the Government of the Federal Republic of Germany.

GIZ in Kabul wants to auction the two used generators (one is in Kabul and the other is in Faizabad Badakhshan)

in a public bidding process. Therefore, GIZ invites all those individuals and registered companies who wish to participate in the auction process to send their interest letter to the given Email address:

tenders-afg@giz.de by 28. December 2016 till 4pm Kabul local time.

Note: After the deadline, GIZ will review the interest letters, prepare a short list and then invite the bidders for the physical check of the generators. If the bidder is interested in one or both generators, she/he can then (signed/stamped) her/his price to GIZ in a sealed envelope.

اطلاعیه داوطلبی:

دفتر GIZ خواهان همکاری های فنی به نمایندگی از دولت جمهوری فدرال آلمان میباشد.

بنا دفتر GIZ مقیم کابل میخواد 2 پایه جنراتور استهلاک شده ملکیت خویشرا (که یک پایه آن در کابل د دیگر آن در بدخشان می باشند) در یک پروژه آزاد به فروش برساند، بنابراین شرکت ها و اشخاص انفرادی که خواهان خریداری آنها راداشته باشند، میتوانند درخواستی های خویش را الی تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۶، ساعت ۴ بعد از ظهر به ایمیل ادرس tenders-afg@giz.de بفرستند.

نوت:لست داوطلبان بعد از اخذ درخواستی ها مشخص گردیده و از آنان دعوت بعمل می آید تا جنراتور را از نزدیک چک نموده وبعداً آفرهای خویش را به طور سر بسته به دفتر جی آی زید تسلیم نمایند.

ویراستاران: نوالعین و بهروز خاوری
خبرنگاران: وحید پیمان، سهیلا وداع خموش، مریم حسینی، زینب فرمند
هماهنگی خبر: ظفر شاه رویی ۰۷۹۹۳۱۹۵۳۴
صفحه آرایی: خیبر رحیمی - مصطفی سروری - مهدی فرهاد - غلامرضا مجیدی
وبسایت: احمدضیا محمدی ۰۷۰۸۱۴۴۰۴۷
پدیرش اعلان: نشانی پستی: صندوق پستی ۱۹۱۱، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: ایستگاه برج برق، سرک کلوله‌پشته، ناحیه چهارم، کابل
ایمیل روزنامه: Afghanistan_8am@yahoo.com واره‌دهنده
۸صیح در ویرایش و پیرایش مطالب وارده دست باز دارد.
به جز سرمقاله، آرای مطرح شده در مقالات به نویسندگان آن برمی‌گردد.

www.8am.af
www.facebook.com/8am.af
[Twitter: @HashteSubDaily](https://twitter.com/HashteSubDaily)

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیر مسوول: پرویز کاوه ۰۷۰۰۲۲۸۹۸۸ parwiz_kawa@yahoo.com
معاون مدیرمسوول: مجتبی هاشمی ۰۷۶۶۶۴۴۶۶۴ sayedmujtaba_hashemi@yahoo.com
تحلیگر ارشد: فردوس کاوش fardoskaws@yahoo.com
دبیر بخش سیاسی: فریدون آژند ۰۷۹۷۴۱۶۰۶۲
دبیر بخش ادب و فرهنگ: شایان فریور ۰۷۰۰۷۰۹۰۹۸ shayanfa@gmail.com



Publisher:
Sanjar Sohail
sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:
Parwiz Kawa
parwiz_kawa@yahoo.com
+93 700228988



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515

10th Year ◇ No: 2530 ◇ Monday ◇ 26 December, 2016 ◇ Price: 20 Afs



عزیزی بانک
Azizi Bank



Industry Leadership Award 2016
Best Customer Service Award 2016

24 HOURS CUSTOMER CARE NO: 1515

www.azizibank.af

